

انطباق سرزمین گمگشته ی "آراتا" با "آذربایجان"

(این مقاله در نخستین همایش بین المللی باستانشناسی غرب آذربایجان در ارومیه ارائه شده است.)

در الواح سومری از سرزمینی دور دست و همزاد سومر به نام "آراتا" (Aratta) نام برده شده است. طبق اطلاعات تاریخی لوحه ها، مردمان "آراتا" تمدنی مشابه و هم سطح سومر داشته و این دو سرزمین از نظر فرهنگی و هنری به یکدیگر بسیار نزدیک بوده اند. آراتا سرزمینی ثروتمند و خوشبخت بود و ثروت های طبیعی فراوانی داشت. وفور سیم و زر و سنگ لاجورد و سنگ های قیمتی دیگر در سرزمین آراتا و نبود این اقلام در سرزمین پست و هموار سومر سبب شده بود که "انمرکار" فرمانروای سومری دولت-شهر "اوروک" (وارکای امروزی در جنوب عراق) چشم طمع به "آراتا" و ثروت های طبیعی آن بدوزد و در صدد آن باشد که مردم و فرمانروای دولت-شهر "آراتا" را به فرمان خود درآورد. بر اساس اطلاعات تاریخی لوحه ها "این-سو-کوش-سیراننا" پادشاه دولت-شهر "آراتا" با «انمرکار» پادشاه دولت-شهر "اوروک" معاصر بود.

"انمرکار" از پادشاهان تاریخی-افسانه ای سلسله ای اول "اوروک" پس از واقعه توفان نوح(ع) بوده و دو تن از دوازده پادشاه این سلسله "لوگال-باندا" و "گیل گامش" نیز با سرزمین "آراتا" در ارتباط بوده اند. در منظومه "لوگال باندا و انمرکار" و منظومه "انمرکار و اینسو کوش سیراننا" به سفر دور و دراز "لوگال-باندا" به "آراتا" و در منظومه ی "توفان" نیز به سفر "گیل گامش" به سرزمین "دیلمون" که به دریافت من در حوزه ی سرزمین آراتا واقع شده بود، اشاره های آشکاری شده است.

از آنجایی که تمام دولت-شهرهای سومری از قبیل "کیش"، "لارسا"، "اور"، "اوروک"، "نیپور"، "اومما" (اوما)، "اشنونا"، "لاگاش"، "اریدو" و... به همت باستان شناسان شناسایی، کاوش و مطالعه شده اند و تنها دولت-شهر "آراتا" که به نظر می رسد خاستگاه خود سومری ها و تمدن شگرفشان بوده تاکنون چهره در نقاب خاک کشیده، در دهه های گذشته تنی چند از باستان شناسان و سومر شناسان اقدام به مشخص کردن حدود جغرافیایی این سرزمین مهم باستانی نموده اند. بدیهی است که تنها منبع تحقیقاتی این افراد در این رابطه همان گل نبشته های سومری بوده است. در منظومه ی "انمرکار و فرمانروای آراتا" که بر روی یک لوحه ی دوازده ستونی نوشته شده و اصل آن در موزه ی شرق استانبول نگهداری می شود و در سال ۱۹۶۶ به توسط "ساموئل نوح کریم" استنساخ و قرائت شده، آمده است:

"قرن ها پیش از آنکه سراینده این لوح دیده به جهان گشاید، یکی از قهرمانان نامدار سومر به نام انمرکار می زیست. انمرکار بر ناحیه ی اوروک فرمان می راند. در مشرق "اوروک" ناحیه دیگری به نام "آراتا" قرار داشت و فاصله آن تا اوروک بسیار زیاد بود. دو دولت شهر را هفت رشته کوه از یکدیگر جدا می ساخت، و آراتا بر فراز قله ی کوه بلندی قرار داشت که راه یافتن به آن بسیار مشکل بود..." (الواح سومری ، ۲۸).

در متنی که "کریم" منتشر کرده سرزمین "آراتا" در مشرق اوروک و در متنی که باستان شناس ایرانی یوسف مجیدزاده منتشر نموده، این سرزمین در شمال "اوروک" معرفی شده است. ولی حقیقت مطلب این است که در منظومه "انمرکار و فرمانروای آراتا" به صراحت از الفاظ "مشرق" و "شمال" اوروک ذکری به میان نیامده بلکه ذکر این جهات به خاطر استنباطی است که "کریم" و "مجیدزاده" از لفظ "انسان" (سرزمین انسان یا ایلام) مذکور در متن منظومه کرده اند. به عبارتی دیگر آنها با قاطی کردن دو لفظ «انسان» و «انسان» مذکور در الواح سومری مرتکب خطایی فاحش شده اند که نتیجه گیری آنها را در تعیین موقعیت جغرافیایی آراتا مخدوش کرده است.

این حدس که سرزمین "آراتا" در مشرق و یا شمال سرزمین سومر واقع شده بود حدس چندان نابجایی نیست، اما باید دید که سومریان الفاظ مشرق و شمال را چگونه و در چه معنا و مفهومی بکار می برده اند. بنابر این آنچه ذهن دانشمندان را در تعیین حدود جغرافیایی سرزمین "آراتا" به سمت مشرق و شمال سرزمین سومر سوق داده، تکرار لفظ «انسان» در متن منظومه "انمرکار و فرمانروای آراتا" است اما این لفظ به تنهایی و به دو دلیل بسیار مهم نمی تواند سمت و سوی واقعی سرزمین "آراتا" را معین کند: نخست به دلیل اینکه در منظومه دیگری به نام "لوگال باندا و انمرکار"، لوگال باندا فرستاده ی انمرکار به سرزمین آراتا در سر راه خود از اوروک به آراتا از هفت کوه سرزمین "انسان" (و نه انسان) می گذرد و به آراتا می رسد (الواح سومری، ۲۵۱).

دوم به دلیل این که در منظومه ی دیگری به نام "لوگال باندا و کوههای هوروم"، لوگال باندا در سفر طولانی خویش از اوروک به آراتا به کوهی می رسد به نام "هوروم" که با نام قوم "هوری" که در شمال سرزمین عراق اقامت داشته اند؛ مربوط است. علاوه بر این باید گفت که مفهوم و معنای لفظ "در برابر انسان" مذکور در متن منظومه ی "انمرکار و فرمانروای آراتا" دقیقاً معلوم نیست و محتاج تفسیر است.

آیا در این عبارت "سرزمین انسان" معروف مورد نظر است؟ برای رسیدن به پاسخ درست بخش مذکور منظومه را تکرار می کنیم:

"[پیک] از کوههای... بالا رفت، از کوههای ... پایین آمد، در برابر ... انسان، همچون آوازخوانی جوان خویشتن را بر خاک افکند، از هیبت کوههای بزرگ ترسان شد، در غبار سرگردان شد. پنج کوه، شش کوه، هفت کوه را پشت سر نهاد، به [بالا] (نگریست)، به آراتا رسیده بود، در بارگاه آراتا شادمانه پای نهاد..."

با توجه به متن فوق، پیک فرمانروای اوروک در سر راه خود به آراتا در برابر انسان که از آن می توان معبد شهر یا خود سرزمین انسان معروف را اراده کرد، سجده می کند و با پشت سر گذاشتن کوههای پنجم و ششم و هفتم، ولی در جهتی نامعلوم به سوی "آراتا" روانه می شود.

با توجه به این مطلب که در خود شهر اوروک نیز معبدی برای خدای "اینانا" به نام "انشان" (خانه ی انشان) وجود داشته؛ این احتمال هست که پیک در برابر معبد دیگری به نام "انشان" در سرزمینی غیر از انشان معروف و در موقعیت چهار سلسله کوه دورتر از انشان مفروض سجده کرده باشد. با وجود این ابهامات جدی و به خصوص وجود لفظ "انشان" به جای "انشان" در متن منظومه های "لوگال باندا و انمرکار" و "لوگال باندا و کوههای هوروم"، وجود کوههای "هوروم" در منظومه ی "لوگال باندا و کوههای هوروم" که در حد فاصل دو سرزمین "اوروک" و "آراتا" قرار داشته؛ جستجوی سرزمین آراتا در شمال و مشرق سومر (عراق) کوششی معقول و منطقی است؛ زیرا که سرزمین "آراتا" طبق مضمون لوحه ها سرزمینی کوهستانی است و خود لفظ "آراتا" نیز علی الظاهر به معنی کوهستان می باشد؛ هر چند که در زبان سومری لفظ "کور" نیز به معنی "کوه" به کار برده شده است. از آنجایی که فقط شرق و شمال عراق (سومر) کوهستانی است، بنابر این اکثریت قریب به اتفاق دانشمندان، سرزمین "آراتا" را در خاک ایران جستجو کرده اند. اهم کوشش هایی که تاکنون برای مشخص کردن موقعیت جغرافیایی "آراتا" صورت گرفته چنین بوده است: مؤلفان "تاریخ پیشرفت علمی و فرهنگی بشر" که از طرف سازمان یونسکو منتشر شده است بر این باورند که آراتا در ایلام قرار داشته است. برخی از پژوهشگران ایرانی از جمله آقایان دکتر یوسف مجیدزاده و میر عابدین کابلی از ایلام فراتر رفته و شهادت کرمان را منطبق با سرزمین آراتا دانسته اند. ساموئل نوح کریم سومرشناس مشهور نیز سرزمین گم گشته ی "آراتا" را در غرب ایران و حدود استان لرستان جای داده است. اما "جورجیا هرمان" (Georgia Herman) با مورد توجه قرار دادن داد و ستد "لاجورد" در آن زمان، سرزمین آراتا را جایی در محدوده ی جنوبی و جنوب شرقی دریای خزر دانسته است. پروفیسور دیوید رول باستان شناس معروف نیز در یک سفر علمی که در غرب ایران از اهواز تا اردبیل داشته؛ در گزارش علمی خود در روزنامه معروف ساندی تایمز لندن که متن ترجمه شده ی آن در شماره های ۳۱۶۰ و ۳۱۶۱ روزنامه همشهری به تاریخ ۱۶ و ۱۷ شهریورماه ۸۲ چاپ شده، صراحتاً منطقه ی آذربایجان را سرزمین باستانی آراتا نامیده است. او می نویسد: شش هزارسال پیش تمثالی مشابه بر دیوار خانه ی انکی از خدایان سومر و همطراز یهوه خدای عهد عتیق به چشم می خورد. در آن زمان این منطقه [تبریز] به دو نام شناخته می شد: آراتا و ادین.

پیشنهاد دیگری نیز که از جانب "کوهن" (Kohan) ارائه شده "آراتا" را در منطقه ی بین همدان، نهاوند و کرمانشاه جستجو می کند. پژوهشگر و مورخ آذربایجانی پروفیسور "زهتابی" نیز نیمه ی غربی آذربایجان و اراضی اطراف دریاچه ی ارومیه را سرزمین باستانی "آراتا" می داند. اخیراً نیز دکتر "محمود رضا ماهری" در کتاب "تمدن های نخستین کرمان" به پیروی از آقایان مجیدزاده و کابلی محل "آراتا" را با موقعیت کنونی کرمان و شهادت منطبق دانسته است؛ با این تفاوت که وی یا منابع مورد استناد وی که دقیقاً در متن او مشخص نشده با آوردن الفاظ "از شوش تا کوهسارهای انشان" در متن منظومه ی "انمرکار و فرمانروای آراتا" و الفاظ "او از مرز انشان پنج، شش، هفت کوهستان گذشت" در متن منظومه ی "لوگال باندا و انمرکار" و بدون پرداختن به الفاظ "کوه های هوروم" و "هفت سلسله کوه در سرزمین انشان" در منظومه های مذکور، به

نوعی متن ارائه شده از جانب ناسخ و قاری اصلی منظومه های سومری مذکور یعنی پروفیسور "ساموئل نوح کریمر" را مخدوش کرده است.

به عبارت روشن تر، الفاظی که دکتر محمود رضا ماهری آورده، نه در متنی که از "کریمر" در ایران منتشر شده، و نه در متنی که دکتر یوسف مجیدزاده از متون مذکور منتشر کرده، وجود ندارد. با این اوصاف من بر اساس اطلاعات جغرافیایی داده شده در متون سومری "انمرکار و حاکم آراتا" و "انمرکار و لوگال باندا" و "لوگال باندا و کوههای هوروم" و "منظومه ی توفان نوح" و حماسه ی "گیل گامش" و هم چنین تکیه بر روابط بازرگانی سومر با حوزه ی ارس و قفقاز و نیاز تاریخی سرزمین بین النهرین به آوار و معادن سنگ کوهستان های شمال غرب و غرب ایران و هم چنین مفهوم "مشرق" در نزد جغرافیدانان سومر و مهمّ تر از همه خاستگاه سومریان، بر این باورم که سرزمین گم گشته ی "آراتا" همان آذربایجان امروزی است. اینک سر فصل هایی که می تواند ما را در انطباق "آراتا" با "آذربایجان" یاری دهد ارائه می کنم:

۱- خاستگاه سومریان: دانش امروزی به این نتیجه رسیده است که سومری ها قبل از درآمدن به بین النهرین با فلزکاری و کشاورزی آشنا بوده اند و این مهارت را در سرزمین قبلی خویش کسب کرده بودند. ساموئل نوح کریمر می گوید که سومری ها از آن سوی قفقاز و دریای خزر به سمت نواحی غربی ایران سرازیر شدند و آن را تحت فشار قرار دادند (الواح سومری، ۲۵۸). "ادوارد شی یرا" حدس می زند که نخستین ساکنان شهر "کرکوک" از تبار سومری بوده و این شهر ابتدا شهری سومری نشین بوده است (الواح بابل، ۵۳).

روایات سومری میگوید که آن ها از سرزمینی کوهستانی و از جهت "ایم کورا" که دانشمندان آن را به کوههای شمال و مشرق تعبیر می کنند، به بین النهرین درآمده اند. کریمر معتقد است که سومری ها قبل از درآمدن به بین النهرین ابتدا کشور "حایل" در غرب ایران را تصرف کرده و سپس به جنوب بین النهرین حمله آورده و بر آن چیره شده اند (الواح سومری، ۲۵۸). سومریان در کجا با کشاورزی و فلزکاری آشنا شده اند؟ و کدام سرزمین در جهت "ایم کورا" (کوههای شمال یا مشرق) می توانسته است آنان را به فنون کشاورزی و فلزکاری آشنا کرده باشد؟

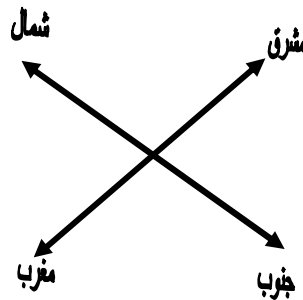
نخستین خاستگاه فلزکاری در شرق میانه به غیر از شمال غرب و مغرب ایران و حوزه ی دریای خزر کدام سرزمین دیگر می تواند بوده باشد؟

تبرهای مسینی که سومریان به هنگام درآمدن به بین النهرین به همراه خود داشتند در کدام سرزمین که منابع غنی مس داشته است تولید شده بود؟ مؤلفان "تاریخ پیشرفت علمی و فرهنگی بشر" در جستجوی نخستین خاستگاه فلزکاری در شرق میانه به این نتیجه رسیده اند که: "چنین مُسلم می نماید که آن خاستگاه در نقطه ای واقع بر رشته جبال بزرگی که از مشرق آسیای صغیر تا ارمنستان و قفقاز ادامه می یابد و از ساحل جنوبی دریای خزر می گذرد تا به خراسان و بخارا منتهی می شود قرار داشته

است، و این مسیر حاوی غنی ترین رگه های معدنی دنیای کهن است؛ و تصادف مُساعد این که در دامنه های پوشیده از جنگل آن نیز چوب به هر مقدار لازم برای تامین سوخت کوره های ذوب وجود می داشت" (جلد اول، بخش دوم، قسمت اول، ۳۷۳). حال با توجه به مراتب بالا آیا می توان شهادتِ کرمان (و یا آنطوری که اخیراً توسط دکتر یوسف مجید زاده ابراز شده جیرفت) را سرزمین باستانی آراتا که علی الظاهر خاستگاه اصلی سومریان بوده و فن کشاورزی و فلزکاری را به سومریان آموخته است یکی دانست؟ شرایط جغرافیایی شهادت و کویری و مسطح بودن منطقه (و ایضا جیرفت) قویاً این استنباط را رد می کند.

۲- مفهوم مشرق: مفهوم مشرق در نزد جغرافی دانان سومر، بر اساس اطلاعاتی که در نقشه ی لوح طلایی شهر نیپور آمده، برابر با مفهوم شمال شرقی در جغرافیای امروزی است.

جهت اربعه در لوح طلایی شهر نیپور به شکل زیر نموده شده است (منبع: کریم، ۲۹۰):



با توجه به این نقشه لفظ "ایم کورا" (کوههای مشرق یا شمال) در نزد جغرافی دانان سومر با اراضی شمال غربی ایران یعنی با آذربایجان و کردستان امروزی منطبق است.

۳- موقعیت جغرافیایی سرزمین اشنان و کوههای هوروم:

در لوحه های سومری نام چند کوه از هفت سلسله کوهی که آراتا را از سرزمین سومر جدا می کرده آمده است: کوه های اشنان (و نه اشنان) در منظومه ی "لوگال باندا و انمرکار" و کوه های هوروم (Hurum) در منظومه ی "لوگال باندا و کوههای هوروم". کوههای اشنان با سرزمین "اشنونا" (تل اسمر کنونی در ساحل شرقی رود دیاله) در ارتباط است. من این نام را با توپونیم "اشنو" در آذربایجان غربی مقایسه می کنم و هیچ تردیدی ندارم که نام جغرافیایی "اشنو" بازمانده توپونیم "اشنونا" ی باستانی است و همانطوری که "اریبل" نام باستانی و پنج هزار ساله ی خود "آربلا" را محفوظ داشته، شهر اشنو یا "اشنویه" نیز نام پنج هزار ساله "اشنونا" را محفوظ داشته است. سرزمین "اشنونا" در هزاره های سوم و دوم قبل از میلاد سرزمینی هوری نشین بوده است و نام بسیاری از پادشاهان دولت-شهر "اشنونا" که در گذشته به منطقه ی وسیعی از جنوب دریاچه ی

ارومیه تا ساحل شرقی رود دیاله اطلاق می شده، منشأ هوری دارند. من استنباط می کنم که دو سرزمین از چهار سرزمین شوبور (= سوبارتو) و حامازوی (= همازی یکی از دولت-شهرهای ایلامی) و "اوری" و "مارتو" که در منظومه ی "انمرکار و فرمانروای آراتا" به عنوان همسایگان کشور چند زبانی سومر معرفی شده اند، با سرزمین اشوننا در ارتباط اند.

این دو سرزمین عبارتند از: شوبور(سوبار-سوبارتو) یا آشور اعصار بعدی و سرزمین "اوری" (به احتمال قوی هوری) که هر دو در شمال و شمال شرقی سرزمین سومر قرار داشته اند.

کوه های "هوروم" که سرزمین اوروک(سومر) را از سرزمین آراتا جدا می کرده و ذکر آن در منظومه "لوگال باندا و کوه های هوروم" آمده، بی گمان با عنصر هوری در ارتباط است. عنصر هوری در شمال سرزمین عراق اقامت داشت و دیده نشده است که به غیر از شمال غرب ایران و کردستان عراق (بین النهرین علیا) عناصر هوری در جایی دیگر مثلاً شهداد کرمان و یا... سکونت کرده باشند. در دو منبع فارسی که به طور قطع از منابع قدیمی تری أخذ شده اند؛ نام "هوروم" به جبال قره باغ و شهر باستانی "بردع" اطلاق شده است. این دو منبع یکی شاهنامه ی فردوسی و دیگری خمسه ی نظامی گنجوی است. فردوسی در شرح سفر اسکندر به شهر بردع و نوشتن نامه به نوشابه ملکه و پادشاه این شهر می گوید:

همی رفت با نامداران روم بدان شارسانی که خوانی هروم
بفرمود تا فیلسوفی ز روم برد نامه نزدیک شهر هروم

و حکیم نظامی گنجوی نیز نام قدیم شهر بردع در آذربایجان را "هروم" خوانده است:

هرومش لقب بود از آغاز کار کنون بردعش خواند آموزگار

۴- موقعیت جغرافیایی سرزمین دیلمون و کوه های ماشو و نیسیر:

در متن بابلی منظومه ی توفان و حماسه ی گیل گامش آمده است که گیل گامش برای ملاقات با اوتانا پیشتیم(نوح بابلی و زیوسودرای سومری) و کسب رمز جاودانگی و حیات نامیرا از وی به سوی سرزمین "دیلمون" (بهشت سومریان) روانه شده و از کوه های "ماشو" (mashu) می گذرد. هم چنین بر اساس متون بابلی و آشوری، کشتی نوح پس از پایان توفان در کوه "نیسیر" (Nisir) فرود می آید. در متن منظومه ی سومری "توفان" آمده است: "آنگاه، زیوسودرا، پادشاه، کسی که نسل بشر و گیاه را حفظ کرد، در گذرگاه، در سرزمین "دیلمون" آنجا که آفتاب بر می دمد، سکونت گزید." در این قطعه جایگاه حضرت نوح پس از پایان واقعه ی توفان، سرزمین "دیلمون" معرفی شده ؛ و بدیهی است که این جایگاه بایستی حول و حوش همان منطقه ای باشد که کشتی نوح در آنجا فرود آمده است. علیرغم اینکه اکثر پژوهشگران سرزمین دیلمون را با بحرین امروزی مقایسه می کنند، من به پیروی از نظریه ی "زهتابی" معتقدم که دیلمون ساحل دریای خزر است. دلیل من برای یکی دانستن دیلمون با دیلمونگ جغرافیای موسی خورنی که همان ناحیه دیلمان امروزی در ساحل دریای خزر است تنها تشابه لفظی این دو نام نیست، بلکه این دلیل متکی بر گزارش منشیان بابلی و آشوری است که محل فرود کشتی نوح را کوه "نیسیر" معرفی کرده اند و کتاب

تورات نیز با نام آراتات (=جودی) بر آن صحه گذاشته است. می دانیم کوه های ماشو همان کوه های ماسیس (آراتات) در مرز آذربایجان، ترکیه و ارمنستان است و این نام هنوز موجودیت خود را در نام جغرافیایی "میشو"، نام کوه های اطراف مرند در آذربایجان حفظ کرده است. نکته ی در خور توجهی که باید در اینجا روی آن تکیه و تاکید کرد این است که اخیراً پروفیسور یوسف مجیدزاده باستان شناس معروف ایرانی به این نتیجه رسیده است که دیلمون واقعه ی توفان غیر از دیلمونی است که به بحرین تعبیر می شود (تاریخ و تمدن بین النهرین، جلد اول، صفحه ۷۱).

بنابر روایات بابلی، کشتی نوح بعد از توفان بر فراز کوه "نیسیر" متوقف گشت. این کوه همان کوهی است که در نزدیکی ایالت ماننایی "زاموآ" در جنوب دریاچه ی ارومیه قرار داشت و "آشور ناسیرپال دوم" در قرن نهم پیش از میلاد برای در هم کوبیدن لولوبیان ساکن در آن تا نزدیکی این کوه به پیش رفت (تاریخ ماد، ۱۵۱). نام دیگر "نیسیر" «جودی داغ» است. «جودی داغ» که در شمالی ترین نقطه ی آشور کهن واقع شده در روایات اسلامی نیز با نام "جودی" معرفی شده و طبق این روایات محل فرود کشتی نوح است. در قرآن کریم (سوره یازدهم، آیه ۴۳) مسطور است که کشتی نوح بر کوه جودی آرام گرفت. کوه جودی هم اینک نیز به نام "جودی" خوانده می شود و در نزدیکی شهر عمادیه در شمال موصل قرار گرفته است. مسجد نوح بر قلّه ی آن کوه ساخته شده و قریه ی الثمانین (هشتادان) در پای آن کوه است.

۵- جنگل های سرو:

در سر راه فرستاده انمرکار به سرزمین "آراتا" کوه های پوشیده از جنگل های سرو وجود داشته و همین جنگل های سرو امروزی نیز سراسر زاگرس را پوشانیده است. پژوهشگرانی که شهادت را با "آراتا" یکی دانسته اند به این نکته مهم توجه نکرده اند که شهادت از مزیت جنگل بی بهره است و یک منطقه ی کویری را نمی توان با سرزمینی کوهستانی پر از جنگل های سرو یکی دانست.

۶- روابط تجاری:

روابط تجاری و بازرگانی سومر در درجه ی اول با همسایگان شرقی و شمالی خود بوده است. گوردون چایلد در رساله ی "چگونه انسان، انسان شد" به واردات سومری ها از سرزمین های کوهستانی زاگرس و لبنان صحه گذاشته است و مؤلفان "تاریخ پیشرفت علمی و فرهنگی بشر" نیز به ارتباط بازرگانی و تجاری سومر با سرزمین قفقاز تاکید کرده اند. این مؤلفان حتی به وجود راه های آبی (غیر از راه های خاکی) در مناسبات تجاری سومر به قفقاز پرداخته اند. به طور قطع بارهای چوبی (= الوار که بین النهرین فاقد آن است)، از طریق رودهای زاب علیا و زاب سفلی و از طریق رود دجله به شهرهای سومر حمل می شده است. سرچشمه ی رودهای زاب (زبان)، آن گونه که جیهانی در نیمه ی دوم قرن چهارم هجری می شناخته، در آذربایجان تاریخی قرار گرفته است. جیهانی در مُعرفی این دو رود می گوید: "زبان - دو جوی است بزرگ که چون جمع شوند یک نیمه ی دجله باشد و ابتدای آن جوی ها از کوه های آذربایگان است" (اشکال العالم، ص ۳۴). نکته ی در خور توجهی که بی ارتباط

با این بند نمی باشد این است که در منظومه ی "لوگال باندا و انمرکار" از سرزمین دور دستی به نام "زابو" سخن گفته شده که "لوگال باندا" مدتی در آن به سر برده است. نام "زابو"ی سومری در اسناد ایلامی مربوط به اواخر هزاره ی سوم و آغازین سده ی هزاره ی دوم قبل از میلاد به صورت "زبان" (zaban) آمده است. این نام با نام رودهای "زاب" در ارتباط است و پروفیسور "جورج.جی. کامرون" آن را کرانِ رودهای زاب می داند (ایران در سپیده دم تاریخ، صص ۵۷-۸۲).

توصیفی که سارگون دوم در سده ی هشتم قبل از میلاد از سرزمین زابان و جنگل های انبوه آن کرده است، دقیقاً با توصیفی که از کوه های پوشیده از جنگلِ سرو در سر راه فرستاده ی انمرکار به سرزمین "آراتا" شده، مطابقت دارد. سارگون در شرح لشکرکشی خود به سرزمین ماننا و تصرف شهر موساسیر (در نزدیکی اشنویه ویا سردشت) می گوید: "هر چند که این کوه ها مرتفع بوده و با خَس و خاشاک پوشیده شده بودند، هر چند که عظمت آنها بر هم سایه انداخته و راه را همچون جنگلی تیره و تار ساخته بود، هر چند کوچکترین شعاعی وجود نداشت، معهداً من از آن ها صعود کردم" (گنور گیس آقاسی، آشور کهن، ۱۷۲).

۷- توپونیم آراتا:

«آراتا» به معنی کوه است و سرزمین آراتا سرزمینی کوهستانی بوده و شهر آراتا بر فراز کوهی استوار قرار داشته است. از آنجایی که در منابع آشوری و اورارتویی سده ی هشتم قبل از میلاد رود آراتایا (Arattaya) و سرزمین کوهستانی "آلاته" به "Alateye) نام برده شده است یکی از زبان شناسان جمهوری آذربایجان به نام "ی. ب. یوسف اوف" نام "آراتا" را با نام های ترکی آلتاتو (Alatau)، آلتا، آلتونو، آلتای، آلتاغ و آلتاوا مقایسه کرده و نام جغرافیایی آراتا را به پیروی از قاعده تبدیل مصمت "ر" به "ل" با "آلاته" به "تُرکی یکی می داند. لازم به ذکر است که سارگون دوم در گزارش سفر جنگی خود به سرزمین ماننا (آذربایجان) می گوید که سپاهیان آشور به هنگام ورود به ایالت ماننایی «سوریگاش» از رود «آراتا» گذشتند. این گزارش به صراحت «آراتا» را در سرزمین آذربایجان نشان می دهد و یوسف اوف مُحقّ است که «آراتا» را با «آلتاتو» مقایسه کند.

من با تصدیق این مقایسه، توپونیم "آراتا" را هم چنین با توپونیم های "آرات پاتی" لوح سارگون دوم و "آرت ویت" منابع ارمنی (نام اردبیل در اثر لووند تاریخ نگار ارمنی) و آراز (=آرات) مرتبط می دانم و معتقدم که نام ایالت ماننایی "آرات پاتی" که در منابع آشوری سده ی هشتم قبل از میلاد آمده با نام "آرات ویت" (=آرت ویت) منابع ارمنی منطبق است: (آرات پات< آرات ویت< آرتاویت< اردویل< اردبیل). در نام جغرافیایی "آراز" نیز تبدیل مصمت "ت" به "ز" از اصول شناخته شده ی زبان شناسی است.

۸- دیلمون

گیل گامش برای ملاقات با اوتاناپیشتم در سر راه خود به "دیلمون" از جنگل های انبوه سرو می گذرد. او در سر راه خود به دیلمون با زن جوانی آججو فروش به نام "سیدوری" که در ساحل دریا و در باغ خورشید به سر می برد ملاقات می کند. نام این زن "هوریانی" است و به زبان هوریانی "زن جوان" معنی می دهد (آشور کهن، ۱۹۰). گیل گامش در سر راه خود به دیلمون "سورسونابو" را می بیند. گیل گامش به "سورسونابو" می گوید: گیل گامش نام من است، آنکه از اوروک آمده است، آنکه کوهستانها را پیموده است، سفری طولانی آن گونه که خورشید طلوع می کند. ای سورسونابو، اکنون که چهره ات را دیده ام، اوتانا پیشتم دور دست را به من نشان ده. " در قطعات فوق که از متن بابلی قدیم منظومه ی گیل گامش استخراج شده، سمت و سوی سرزمین افسانه ای دیلمون نموده شده است. آنهایی که سرزمین دیلمون را با جزیره ی بحرین امروزی مقایسه کرده اند باید پاسخگو باشند که ما بین شهر اوروک در جنوب عراق و در دهانه خلیج فارس و جزیره ی بحرین کدامیک از مشخصه های طبیعی و جغرافیایی و زبانی بالا می گنجد؟ ما بین اوروک و بحرین کدام کوهستانها و جاده ها قرار گرفته است؟ در این فاصله کدام جنگلها انبوه سرو نهاده شده است؟ وجود عنصر هوری در جزیره ی بحرین و یا ساحل جنوبی خلیج فارس را چگونه می توان توجیه کرد؟ گئورگیس آقاسی با مشاهده ی عنصر هوری در متن منظومه گیل گامش "ساحل دریای مدیترانه" را محل ملاقات گیل گامش با "سیدوری" دانسته است. اما وجود این عبارت در کتاب خود ایشان - که از متن منظومه آورده شده است: «بدین ترتیب آنها(گیل گامش و قایقرانش) به حضور اوتنا پیشتم (= نوح بابلی ملقب به دوردست) ساکن دیلمون واقع در جناح

شرقی کوهستان باریافتند» استنباط وی را مردود می کند: زیرا دریای

مدیترانه در جناح غربی کوهستان واقع شده است.

هر چند او یک قدم بیشتر از دیگران به مقصد "دیلمون" نزدیک

شده، ولی باز هم در تضادی آشکار با حدس خود می گوید: دیلمون

بهشت سومری ها در خلیج فارس واقع شده است!

این نکته که گیل گامش برای رسیدن به دیلمون از کوههای "ماشو

"گذشته است و یا کوههای ماشو یا ماسیس هوریانی همان آراتا

تورات و "جودی" قرآن کریم است به تنهایی همه گزینه های احتمالی

برای تعیین موقعیت جغرافیایی دیلمون از خلیج فارس گرفته تا دریای

مدیترانه را مردود می کند؛ و همانطور که پروفیسور "زهتابی" به

فراست دریافته، "دیلمون" جزیره ای در دریای خزر بوده است و این

بهشت سومری در واقع همان خاستگاه نخستین سومری ها یعنی حوزه



اینانا الهه ی دولت - شهر های آراتا و اوروک

ی دریای خزر و احتمالا قلمرو سرزمین باستانی آراتا بوده است. باید علاوه کنم که پژوهشگر امروزی به درستی دریافته است که سرزمین ناب، پاکیزه و درخشان "دیلمون" جایی که به احتمال قریب به یقین خاستگاه سومری ها بوده و زمانی در آن مرگ، بیماری و اندوه ناشناخته بود و شیر در آن نمی کشت و گرگ بره را نمی ربود و پیرزن و پیرمرد آن نمی گفت "من پیرزنم"، "پیرمردم" و آوازه خوان آن شیون سر نمی داد؛ با آن سرزمینی که در متون تاریخی معمولا همان جزیره ی بحرین در خلیج فارس پنداشته می شود، صرفا تشابه اسمی دارد و سرزمین دیلمون درخشان و بهشت سومریان نام مکانی دور و علیحده ای است که با بحرین ارتباطی ندارد.



تصویری از الهه ی اینانا

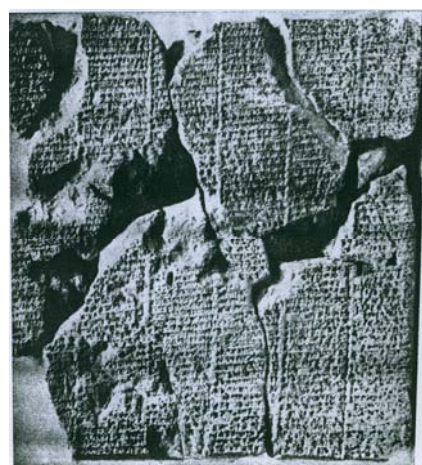
چنانکه قبلا گفته شد این مطلبی است که باستان شناس ایرانی دکتر یوسف مجیدزاده و همان شخصیت علمی که به گمان من به طور نادرست سرزمین "آراتا" را مطابق با شهداد کرمان یکی دانسته بود (و اخیرا ضمن عدول از نظریه قبلی جیرفت را با قید احتمال منطبق با آراتا دانسته) ابراز کرده است (تاریخ و تمدن بین النهرین، جلد اول، ۷۱) و معتقدم با مستندات که در این مقاله ارائه شده آن یگانه ی علم باستان شناسی در ایران باید در عقیده ی قبلی خود تجدید نظر نمایند. "آراتا" با مستندات که در این مقاله ارائه شد دقیقا با آذربایجان امروزی منطبق است و نفی این انطباق در درجه ی اول مستلزم نفی مستندات متون سومری و بابلی و آشوری است.



موقعیت جغرافیائی آراتا براساس منبع زیر: www.nunki.net/PerDud/TheWorks/Express/Paradise.html



اینانا الهه ی دولت- شهرهای اوروک و آراتا



منظومه ی سومری انمرکار و فرمانروای آراتا
موزه ی استانبول